



در روزهای آخر جنگ
 که عراق مجدداً
 خرمشهر را محاصره
 کرد، قاسم سلیمانی
 و تیپ ۴۱ ثارالله و
 آقای جعفر اسدی
 در کنار جاده اهواز-
 خرمشهر بودند و
 شجاعانه جنگیدند.
 این دو فرمانده
 و رزمندگان شان
 طوری با شجاعت
 با دشمن جنگیدند
 که بعد از ۲۴ ساعت
 درگیری سنگین،
 طرفین ایرانی و
 عراقی از شدت
 خستگی در کنار
 جاده خوابشان
 برده بود

دیگر هم می‌آمدند، باید ایشان اولین تپیی می بود که خودش
 را به دروازه‌های بصره می‌رساند. این هم یک آزمون بزرگ دیگر
 برای او- بعد از والفجر ۸- بود. می‌دانیم که قاسم سلیمانی نسبت
 به شهادت رزمندگان تحت فرماندهی اش بسیار حساس بود.
 نسبت به موفقیت در هر مرحله از عملیات، بسیار حساس بود.
 معمولاً ساعت‌ها بحث و بررسی و استدلال می‌کردیم، ایشان
 دلیل می‌آورد، ما بعضاً مانور را تغییر می‌دادیم، تیپ و لشکرهای
 دیگر را جابه‌جا می‌کردیم تا او اقناع شود. اینجا هم بحث‌های
 خیلی زیادی مطرح شد و عملیات با دقت خوبی طراحی شد.
 وقتی عملیات شروع شد، حوادثی اتفاق افتاد؛ سطح آب
 ارونند زیر نور ستارگان روشن بود و غواص‌های تیپ ۴۱ ثارالله که
 راه افتاده بودند، دشمن بعضی که بالای سنگرو مسلط به این
 آب بود، غواص‌ها را می‌دیدند و تیراندازی می‌کردند. در اینجا
 قاسم سلیمانی یک نامه به غلامپور می‌نویسد که در جای دیگر
 به تفصیل به آن می‌پردازیم. نتیجه کار قاسم سلیمانی این بود
 که خیلی خوب از آبرفتگی بوارین عبور کرد. این خط را که
 یک کانال ماهیگیری بود، شکست و به آن سمت رفت. تقریباً
 نزدیکی‌های صبح بود که با بی‌سیم به من گفت برادر محسن
 اینجا فتح‌المبین شده، به همه لشکرها بگو بیایند از همین جا
 برویم بصره و تا چشم کار می‌کند، کسی نیست که البته روزهای
 بعد شرایط تغییر کرد و در جای خود قابل تفصیل است.

عملیات کربلای ۴ و ۵ بویژه عبور از بوارین، یکی از جلوه‌های
 مهم ابتکار عمل قاسم سلیمانی است. مأموریتی که به برادرمان
 قاسم سلیمانی برای عبور از بوارین و عبور از کانال ماهیگیری
 دادیم، بسیار سخت بود. صدها مشکل بر سر راه این مأموریت
 وجود داشت که این مشکلات به طریق عادی و استانداردهای
 تعریف شده نظامی، ممکن بود در آن زمان اندک و آن امکانات
 مختصر، حل و فصل نشود؛ مثلاً بوارین برخلاف منطقه عملیاتی
 خیبر و بدر، نیزاز نبود. انعکاس نور ستارگان، سطح آب را روشن
 می‌کرد. برادرمان قاسم سلیمانی باید با ابتکار عمل خودش
 تدبیر می‌کرد که این غواص‌ها چگونه باید عبور کنند که
 سرشان بیرون از آب باشد و دیده نشوند. ضمن اینکه ارتفاع آب
 بوارین هم مثل ارونند نبود. ارتفاع آب بوارین بسیار کم بود.
 لذا عبور غواص‌ها از آب گرفته، تا ورود غواص‌ها به خاکریز دشمن
 نیازمند ابتکار عمل بود. خیلی از جاهای این بوارین، ارتفاع آب
 بسیار کم بود و ممکن بود پروانه موتور قایق‌ها به کف بوارین

بخورد. خود کانال ماهیگیری- که از آن عبور کردند- یک پل
 داشت که دشمن با یک تیربار می‌توانست رزمندگان را متوقف
 کند. اینکه قاسم سلیمانی چطور آن تیربار را از کار انداخت یک
 ابتکار عمل است. بعد از عبور از پل، اینکه رزمندگان تحت
 فرماندهی او چطور خاکریز بزنند و به چه صورت آرایش بگیرند،
 همه از ابتکارات اوست. برخلاف ارتش‌های دنیا که معمولاً از
 طریق تکنولوژی و آتش، تمام این مسائل را حل و فصل می‌کنند
 و فرماندهان خیلی نیاز به تفکر ندارند، در دفاع مقدس بالعکس
 بوده است؛ چون این فناوری‌های پیشرفته و این آتش وجود
 نداشت و در اختیار فرماندهان ما نبود، همه مراحل کار را باید
 براساس ابتکارات به جلو می‌بردند. قاسم سلیمانی همه این
 موانع را با تدبیر و ابتکار عمل خودش پشت سر گذاشت.

عملیات کربلای ۵ در احقاق حق ملت ایران بسیار مؤثر
 بود. در حقیقت اینجا بود که ناظران بین‌المللی به این نتیجه
 رسیدند که مقاومت صدام شکسته و اگر مسیر دیپلماسی و
 رایزنی را در پیش نگیرند، آینده عراق در خطر است. در نتیجه
 قطعنامه ۵۹۸ را پیشنهاد دادند. لذا عملیات کربلای ۵ و نقش
 برادرمان قاسم سلیمانی در کنار دیگر فرماندهان، باعث احقاق
 حق ملت ایران شد و ناظران بین‌المللی فهمیدند که دیگر
 نمی‌توانند پشت سر صدام بایستند و بهتر است امتیازاتی به
 ایران بدهند.

در روزهای آخر جنگ که عراق مجدداً خرمشهر را محاصره
 کرد، قاسم سلیمانی و تیپ ۴۱ ثارالله و آقای جعفر اسدی در
 کنار جاده اهواز- خرمشهر بودند و شجاعانه جنگیدند. این دو
 فرمانده و رزمندگان شان طوری با شجاعت با دشمن جنگیدند
 که بعد از ۲۴ ساعت درگیری سنگین، طرفین ایرانی و عراقی
 از شدت خستگی در کنار جاده خوابشان برده بود. با یک
 تلاش پیگیر و سخت توانستند بخوبی پیشروی ارتش بعضی
 عراق را متوقف کنند. قاسم سلیمانی در این عملیات پدافندی،
 نقش مهمی داشت. عراق در روزهای پایانی جنگ تلاش کرد
 دوباره خرمشهر را بگیرد که بگوید قطعنامه ۵۹۸ را قبول ندارم
 و قطعنامه دیگری با شرایط دیگری به ایران تحمیل کند؛
 حادثه‌ای شبیه آنچه در جبهه غرب اتفاق افتاد و عملیات مرصاد
 نامیده شد، با پیشروی بعضی‌ها در جبهه جنوب اتفاق افتاد که
 بعداً عملیات سرنوشت نامیده شد.

بعد از جنگ هم شکوفایی و رشد توانایی‌های قاسم سلیمانی

